



اسمال با اینکه پابان نامملم کلی عقب افتاده بود و چند واحد پاس نکرده داشتیم، دل و زدم به دریا و برای عتبات دانشجویی ثبت نام کردم چقدر هزینه‌ها نسبت به پارسل بیشتر شده بود، در ضمن برای ختم‌ها تنها گزینه سفر هوایی بود و از سفر زمینی خبری نبود. خب این مزید بر علت بود تا کلی هزینه‌ها بالاتر برود در هر صورت ثبت نام کردم و دلم خیلی روشن بود که اسمم در میاد و ان‌شاء.

۷

پسندم آنچه را جانان پسندد ...



ما در عصر دانش و فناوری هستیم و حتی اقتصاد مقاومتی نیز اقتصادی دانش‌بنیان است از طرفی، دانش بر پایه اطلاعات قرار دارد، یعنی اطلاعات سلول شکل‌گیری دانش است. حال اطلاعات ما در فضای مجازی به کجا می‌رود؟ ما اطلاعات‌دهنده هستیم یا اطلاعات گیرنده؟ همین اطلاعاتی که ممکن است برای ما ساده به نظر برسد.

۴

آیا باید شایعه قطع اینترنت و تحریم آن را جدی بگیریم؟!؟



۱۰،۱۱

کشاورزی فراسرزمینی، پلی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

۲ تاکید بر گسترش روابط علمی و دانشگاهی ایران و ارمنستان

۳ عدالت یا آزادی؟!؟

۵ حس آمیزی

۶ یک کوله تنهایی

۸ بحران ارزی در ایران و راه‌های مقابله با آن

۹ معرفی کتابخانه مرکزی

۱۲ عمری ست اسیر عشق تو هستم رضا جان

بگیرد. امروز اربعین به یک کنگره بین‌المللی عظیم تبدیل شده است. امروز اربعین می‌رود که شیعیان که هیچ حتی دیگر فرقه‌های اسلامی مثل اهل سنت را نیز در بر بگیرد و نه مسلمانان بلکه پیروان دیگر ادیان را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد.

تازه این از نتایج سحر است باش تا صبح دولتش بدمد

دکتر فلاح رفیع در ادامه ضمن تبیین ویژگی‌های اربعین امروز و علل گسترده تر شدنش برای فردا و فرداها اولین ویژگی را خودجوشی برشمرده و افزود: این حرکت عظیم کاملاً خودجوش است و هیچ نقشه و طرح و برنامه از قبل تعیین شده برای آن نبود. ممکن است با نظام اسلامی در ایران تسهیلات و تبلیغات بیشتر باشد. تشویق و ترغیب شود

ادامه در صفحه ۲

از ظرفیت تاریخ‌سازی اربعین تا نبود اخلاق حرفه‌ای در رسانه‌های وابسته به استکبار جهانی



مدتها صدام از این کار جلوگیری کرد ولی نشد. نه تنها نشد که گسترده‌تر شد و امروز به جایی رسیده است که هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی آن را

حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس در آغاز جلسه هفتگی تفسیر نهج‌البلاغه ضمن اشاره به برگزاری مراسم باشکوه پیاده روی اربعین گفت: آنچه مربوط به حضرت اباعبدالله‌الحسین(علیه السلام) است همه اموری ماندگار در تاریخ بوده است و به هیچ اراده‌ای جز اراده خداوند متعال وابسته نیست، اینکه کسی بخواهد یا نخواهد عاشورا و دهه اول محرم به نام امام حسین (علیه السلام) رقم خورده است. این حقیقتی است که خداوند خواسته است به اراده ما بستگی ندارد و پیش می‌رود هیچ‌کس نیز نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. ممکن است به طور موقت کسانی مانع تراشی کنند اما ریشه خود آنها کنده می‌شود. در دوران رضاشاهی مدتی این مانع‌تراشی را کردند اما نتوانستند نور حسینی را خاموش کنند؛ چرا

که اراده الهی بر این بود؛ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». اربعین امام حسین (علیه السلام) هم اینگونه است. تا

اختتامیه موج‌های سوم و چهارم طرح تحول راهبردی



یکساله طرح تحول را ارائه کرد و با اشاره به ۴ اولویت اصلی و ۳۷ روال اجرایی به تشریح ساختار اجرایی طرح تحول در سطح کلان دانشگاه و در سطح معاونت‌ها پرداخت. رئیس دبیرخانه طرح تحول راهبردی همچنین چارچوب نهادی و نظام اجرایی طرح، ارکان اجرایی و وظایف هر رکن را توضیح داد.

دکتر مینایی هدف از این ارکان را ایجاد و گسترش گفتمان برنامه‌ریزی راهبردی در دانشگاه دانست و از برگزاری گردهمایی مدیران گروه‌های آموزشی، برگزاری نشست آغازین طرح راهبردی، برگزاری دو مراسم اختتامیه، تشکیل کمیته راهبری و برپایی ۴۲ جلسه آن کمیته، تشکیل شورای راهبردی دانشگاه، برگزاری جلسات متعدد هیئت رئیسه، برگزاری جلسات با دانشکده‌ها و ۵ جلسه ستاد طرح به عنوان برخی اقدامات انجام شده در راستای گفتمان برنامه‌ریزی اشاره کرد.

وی در پایان از طراحی و اجرای ۳۲۳ بسته موفقیت در پایان موج چهارم و تعریف ۵۹ بسته موفقیت برای موج پنجم طرح تحول خبر داد. از این تعداد ۳۶ بسته موفقیت در موج اول، ۹۲ بسته در موج دوم، ۸۵ بسته در موج سوم و ۵۱ بسته در موج چهارم انجام شده است.

در ادامه مراسم دکتر بیژن خرم در خصوص رویکرد سیستمی و دکتر نسیم نهاوندی در خصوص نحوه ارزیابی و اهمیت پایش بسته‌های موفقیت و نقش آن در پیشرفت طرح تحول سخنرانی کردند.

آیین اختتامیه با اهدای لوح تقدیر به دست‌اندرکاران برگزیده در اجرای موج‌های سوم و چهارم طرح تحول پایان یافت.

رئیس دانشگاه ضمن تشکر از کلیه همکاران طرح تحول راهبردی گفت: امروز در پایان موج چهارم جشن توفیق پیشرفت در اجرای طرح راهبردی را برگزار می‌کنیم. مجریان و دست‌اندرکاران طرح تحول با وجود تمام مشکلات و مسائل اقتصادی حاد که دانشگاه و کشور با آن مواجه می‌باشد، با عزم و اراده‌ی استوار در مسیر تغییر قدم برداشتند و با کارنامه قابل قبولی در این شرایط خاص، طبق زمان‌بندی، راه را طی کردند و مطابق برنامه‌ریزی به سمت اهداف در حرکت هستند.

دکتر احمدی با تأکید بر ضرورت ایجاد تغییر اظهار داشت: در شرایط سخت بیشتر از هر زمان دیگری به بازبینی روش‌ها و ایجاد تغییر نیاز داریم چرا که روال‌های گذشته و حرکت در همان مسیرهای همیشگی، ما را با مشکلاتی که هم اکنون در دانشگاه و سازمان‌های دیگر می‌بینیم مواجه می‌کند. مسیر پیشین منجر به مشکلات مکرر می‌شود که زنجیروار تکرار می‌گردد و درست در همین جاست که ضرورت تغییر نمایان خواهد شد. تاریخ نیز نشان داده که مسیر تغییر، مسیری شناخته شده و مورد تأکید و قابل دفاع است.

دکتر احمدی در پایان از دکتر البدوی و دیگر همکارانی که در طراحی، اجرا، پشتیبانی نظری و اجرایی طرح حضور داشتند یاد کرد و گفت: این طرح با خرد جمعی اساتیدی از طیف‌های مختلف دانشگاهی و با اتفاق نظر و پشتیبانی مدیریت و تلاش کارشناسان و کارگزاران در طول ده سال با اجرای موج‌های پی در پی اجرا می‌شود. برای ایجاد تغییر مؤثر و اصلاح و نجات تنها راه همین است که باید با قدم‌های محکم و استوار، گسترش امید و توسعه جمع حامیان در مسیر برنامه راهبردی حرکت کنیم.

در ادامه مراسم دکتر مینایی گزارش

است. اربعین دارای ظرفیتی که آینده تاریخ را دست کم در جهان اسلام رقم خواهد زد. و البته به تبع جهان اسلام تمام نقاط عالم را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

*گسترده‌گی از نظر جمعیت و مشارکت؛ هیچ تجمعی در عالم به عظمت تجمع اربعین حسینی نیست تجمعی که از نظر وسعت جمعیت اعجاب‌انگیز است.

*فوق عادی بودن یا خارق‌العاده‌گی. انسان وقتی فکر می‌کند که دهها میلیون جمعیت را در عرض چند روز و در یک مکان چگونه می‌توان از نظر مکانی و مسکن و تغذیه رسیدگی کرد، می‌بیند که از نظر عادی و معمول این امری کاملاً غیرممکن است. این نیست مگر معجزه حسینی البته تا چه کسی چشم حقیقت بین داشته باشد و ببیند.

*پیش‌روندگی و گسترش زمانی؛ این حرکت آنگونه که آشکار است به سرعت گسترده می‌شود به گونه‌ای که آینده آن اصلاً قابل پیش‌بینی نیست، نه از نظر تعداد و نه از نظر مذاهب و ادیان. شاید ده سال قبل کسی می‌گفت در آینده میلیون‌ها نفر عازم اربعین می‌شوند کمتر کسی باور می‌کرد. برای مثال همین ده تا پانزده سال گذشته که اربعین از ایران تازه آغاز شده بود ۵۰ هزار نفر خیلی زیاد به نظر می‌رسید. در آن روز اگر کسی می‌گفت روزی خواهد آمد که بیش از دو میلیون فقط از ایران عازم اربعین می‌شوند آیا کسی باور می‌کرد؟ به همین قیاس نمی‌دانیم ده سال آینده قرار است چند نفر عازم اربعین شوند و چه اتفاقی رخ بدهد؟

ایشان در پایان خاطرنشان ساخت: اربعین هویتی کاملاً مستقل است حتی مستقل از زیارت حضرت اباعبدالله‌الحسین و اصحاب آن حضرت (علیهم السلام) اربعین امروزه هویتی صرفاً زیارتی ندارد هرچند زیارت با تمام ثواب‌های آن در اربعین هست اما اربعین چیزی فراتر از زیارت است، زیارتی که در طول سال هست و ثواب بسیار ویژه خود را دارد

اما همه اینها تا جوشش درونی نباشد نمی‌تواند چندان کارساز باشد دست کم در این سطح عظیم. به عبارت دیگر تبلیغات، تشویق‌ها و ترغیب‌ها، بر خودجوشی استوار است. همانگونه که تشویق به دهه اول محرم اینگونه است.

ایشان از خودگذشتگی را ویژگی دیگر مراسم اربعین دانسته و گفت: در اربعین آنچه به خصوص در این سال‌ها به ظهور و بروز رسیده است از خودگذشتگی و ایثار است. این همه فداکاری از جان و مال واقعا مثال‌زدنی است. کجا می‌توان این صحنه‌ها را دید. صحنه‌هایی واقعا اعجاب‌انگیز و بهت‌آفرین. کجا می‌توان مردمانی را یافت که در عین فقر سخاوتمندانه هرآنچه دارند را در طبق اخلاص بگذارند.

مسئول نهاد رهبری دانشگاه ادامه داد: کجایند آن رسانه‌هایی که کوچکترین حرکت‌های دلخواه خود را در هر کجای عالم که باشد با بزرگنمایی صدها برابری نمایش می‌دهند؟ چرا وقتی اینان به اربعین می‌رسند با دهها میلیون انسان و با این همه صحنه‌های اعجاب‌انگیز، اصلاً گویی از نظر آنها اتفاقی نیفتاده است. آیا اینان به اخلاق حرفه‌ای خود عمل می‌کنند؟! آیا در اینجا نباید کلام حضرت اباعبدالله‌الحسین را گفت که اگر دین ندارید لااقل آزادمرد باشید؟!

مسئول نهاد رهبری دانشگاه گسترده‌گی اعتقادی و فراموزی بودن را دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد اربعین ارزیابی کرده و افزود: از نظر اعتقادی، این حرکت امروز دامنه‌ای پیدا کرده است که نه تنها شیعیان که غیرشیعیان و بلکه غیرمسلمانان را در بر گرفته است. مردان و زنان آزاده جهان از هر گوشه و کنار که باشند سال به سال بیشتر و بیشتر متمایل به اربعین می‌شوند.

حجت الاسلام فلاح رفیع ویژگی‌های دیگر کنگره عظیم اربعین را اینگونه برشمرد:

*ظرفیت تاریخ‌سازی اربعین و تعیین‌کنندگی در روند تاریخ. اربعین رقم زنده آینده تاریخ است. با این وضعیت که امروز ما مظاهری از آن را می‌بینیم و جلوه‌هایی از آن نمایان

عدالت یا آزادی؟!؟



محمدعلی حسینی نیک

کارشناسی ارشد مدیریت سازمان های دولتی دانشگاه تربیت مدرس

اگر ادعا کنیم که یکی از اصلی ترین نکات مورد بحث میان مکاتب مختلفی که برای زندگی انسان و جامعه برنامه داده اند حل معمای اصالت عدالت یا اصالت آزادی است سخن به گزافه نگفته ام. نظر شمای خواننده چیست؟ عدالت برتر است یا آزادی؟ به عبارت دیگر، برای ساخت یک تمدن پایدار، کدام یک را باید محور نهادسازی و جامعه سازی قرار دهیم؟ آزادی یا عدالت؟

بعضی از ما، برای برپایی عدالت دست به اجبار می زنیم و معتقدیم باید مردم را به زور سر به راه کرد. بعضی دیگر اما بر این باورند که باید همگان را آزاد و رها گذاشت تا هر کسی هر آنچه که را می فهمد انجام دهد و چون انسان دنبال منافع خویش است، در بلندمدت دستی نامرئی همه چیز را سر جای مناسبش قرار خواهد داد. این دسته از افراد می گویند آزادی تنها شرط عدالت است. آزاد باشید تا عدالت برقرار شود. در واقع آنها آزادی را کاملا مساوی عدالت می دانند. از نظرشان باید همه قوانین و ساختار مشوق آزادی باشند و آزادی فردی را ترویج کنند تا عدالت برقرار شود. خب خواننده تیزهوش از همین الان به این نتیجه می رسد که حتی آزادی خواهان هم در واقع به برتری عدالت اذعان دارند ولی معتقدند آزادی تنها راه نیل به عدالت است. نتیجه حرف آنها این است که تمام ساختارهای اجتماعی باید به آزادی فردی به عنوان یک اصل احترام بگذارند، نه عدالت! چرا که توجه به عدالت نتیجه ای جز کاهش عدالت نخواهد داشت. سنگ بنای تمدن اگر آزادی باشد، به عدالت دست خواهیم یافت ولی اگر به خود عدالت توجه کنیم، بی عدالتی را افزایش خواهیم داد. در اینجا از وجود مکتب مارکسیسم که این انگاره غلط را در اذهان ایجاد کرده است می گذریم و فقط دلایل خود را برای برتری توجه به عدالت نسبت به توجه به آزادی ذکر می کنیم. اولین نکته ای که به ذهن نگارنده می رسد این است که مفهوم آزادی بسیار مفهوم مشوشی است! به سختی می توان آزادی را تعریف کرد و حد و مرز آن را به طور دقیق مشخص کرد. اما عدالت اینگونه نیست. تقریباً همه قبول دارند که عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایی است که محق آن است. کلمه حق در اینجا نقشی کلیدی ایفا می کند. ولی آزادی را چگونه می توان

تعریف کرد؟ و البته پس از هر تعریفی از آزادی، اولین سوال این خواهد بود که مرز آزادی کجاست؟ در اینجا هواداران آزادی، با لطایف الحیل سراغ مفهوم کلمه حق می روند و می گویند مرز آزادی آنجاست که حق دیگران پایمال نشود.

دوم اینکه آزادی در ذات خود دچار محدودیت و تناقض است ولی عدالت نه! توضیح می دهیم: فرض کنیم روی کره زمین فقط یک نفر وجود دارد. در این صورت ما باز هم می توانیم در مورد عدالت صحبت کنیم. چرا که عدالت برای گذران زندگی یک فرد تنها هم برنامه دارد. ولی وقتی کسی تنهاست، دیگر از آزادی سخن به میان نمی آید. چون نفر دومی وجود ندارد که بخواهیم راجع به پایمال شدن حقوقش صحبت کنیم؛ پس به مفهوم آزادی نیاز نداریم. اما در هر شرایطی ما برای برنامه ریزی به مفهوم عدالت نیازمندیم. بالاخره یک نفر تنها هم می تواند از زمانی که در اختیار دارد به اشکال مختلفی استفاده کند. عدالت در اینجا وارد می شود تا آن فرد «بهترین راه» را برای استفاده از منابع انتخاب کند. پس عدالت یک مفهوم همیشگی است ولی آزادی خیر. اما زمانی که نفر دوم هم وارد صحنه می شود دیگر ما یک جامعه خواهیم داشت که منابع آن محدود است و دو نفر با دو سلیقه متفاوت باید از آنها استفاده کنند. برای ادامه بحث کافی است به مهم ترین دلیل تشکیل یک اجتماع اشاره کنیم. اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند مهم ترین دلیل روی آوری انسان ها به زندگی اجتماعی مزیت های زندگی گروهی از جمله تقسیم کار است که باعث می شود افراد بتوانند از نعمت های محیطی بیشتر بهره ببرند؛ مردم برای بهره مندی از جامعه باید بخشی از «آزادی» های خود را فرو گذارند. خب همین! تمام شد! برای توضیح زندگی فردی ما نیازی به واژه آزادی نداریم؛ و در اولین گام برای توضیح زندگی اجتماعی باید از بخشی از

عدول از مفهوم عدالت نیستند، برخلاف آنچه که درباره آزادی گفتیم. مثلاً اسلام معتقد است حق هر کسی توسط خداوند مشخص می شود و از طریق علم فقه پرده از حکم خداوند کنار می رود. مارکسیست ها معتقدند که عدالت به معنای برابری است و حق همه مساوی خواهد بود. البته هر دوی این مکاتب را می توان به بوته آزمایش تجربی و نقد نظری فراخواند. ولی مهم آن است که هیچکدام از لحاظ نظری نیاز ندارند تا از محور اصلی خود کوتاه آیند. بر خلاف تمدن های مدعی آزادی محوری که هر از چند گاهی و به مناسبتی با لطایف الحیل از مبنای اصلی خوش چشم بر می دارند.

سومین دلیل هم به گونه ای ترجمان دیگری از دلیل دوم است. در رابطه با دولت و جامعه نظریات مختلفی وجود دارد. بعضی معتقد به دولت حداکثری هستند و بعضی دیگر به دولت حداقلی باور دارند. البته دیگرانی هم هستند که اصولاً حقی برای بخش خصوصی قائل نیستند و قسم چهارمی نیز وجود دارند که جامعه بی دولت را جامعه آرمانی خویش می دانند و احیاناً تفکرات دیگری که ادعای متفاوتی در سر می پروراندند! اما مدعیان اصالت آزادی در اینجا هم گاهی مجبور می شوند از محور اصلی شبکه نظریات خویش پا پس کشند. آنها گر چه می گویند هر چه دولت کوچک تر، آزادی فردی بیشتر؛ ولی در مراحل اولیه رشد هر تمدنی یا در مواقع بسیار بحرانی به دولت بزرگ و دیکتاتوری نظر می اندازند. به همین امروز جامعه متفکرین ایرانی نظر کنیم. چه کسانی مدعی آزادی اند؟ همان ها معتقدند که اگر دیکتاتوری رضاخان نبود، ایران امروز هم وجود نداشت. و آن دیکتاتور را پدر ایران نوین خطاب می کنند. سوال این است که اگر آزادی اصالت دارد، چرا از یک دیکتاتوری که آزادی مردم و جامعه را به زنجیر کشید طرفداری می کنید؟

لب کلام این است که عدالت چه در سطح نظری و چه در سطح عملی از هرگونه تناقضی خالی است. در حالی که آزادی اگر به عنوان محور یک تمدن قرار گیرد، به کرات دچار تناقض می شود و آزادی گرایان باید از اصل محوری خویش عبور کنند. خلاصه آنکه رسول الله (ص) بیان فرموده اند که: «بالعدل قامت السموات والارض»؛ و این یعنی مبنای پایداری آسمان و زمین عدل است. و عدالت برتر از هر مفهوم دیگری است برای ساخت یک تمدن پایدار

آزادی های خود چشم فرو بندیم. ولی عدالت هیچ کدام از محدودیت های شمرده شده برای آزادی را ندارد. ما برای تبیین زندگی فردی هم نیازمند مفهوم عدالتیم و برای توضیح زندگی اجتماعی هم اصلاً لازم نیست اندکی از آرمان عدالت کوتاه بیاییم. در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد. یک جامعه را تصور کنید که فقط دو نفر در آن حضور دارند: من و شما! در اینجا اگر ما اصالت را به آزادی بدهیم و بگوییم هر چه آزادی بیشتر، شرایط زندگی بهتر؛ دو حالت را تصور خواهیم بود. حالت اول وقتی است که هیچ قید و قانونی وجود نداشته باشد. در این شرایط از بین من و شما، هر کسی که از قدرت بیشتری برخوردار باشد، می تواند دیگری را به گوشه رینگ برده و تمام منابع را در اختیار خود قرار دهد. در واقع وقتی آزادی مبنای زندگی اجتماعی قرار گیرد، «زور» و «قدرت» حرف اول را می زنند. کمی به تئوری بازار آزاد بیاندیشید کاملاً نشانه های این استدلال را مشاهده خواهید کرد. حالت دوم زمانی است که آزادی را با قانون به قید و بند دریاوریم. که خب سوال پیش می آید «مبنای قانون گذاری چیست؟» و اصلاً «آیا هیچ قانونی هست که آزادی فردی را محدود نکند؟» خب طبیعتاً پاسخ به این سوال منفی است. نتیجه اینکه باز مجبوریم از رکن اصلی جامعه خویش یعنی آزادی فردی کوتاه بیاییم. اما اگر مبنای ساخت جامعه را عدالت قرار دهیم، بدون هیچ مشکل نظری می توانیم به مسیر تمدن سازی خویش ادامه دهیم. البته چالش های زیادی خواهیم داشت ولی هیچگاه از مفهوم عدالت عدول نخواهیم کرد. دوباره به همان مثال جامعه دو نفره می متشکل از من و شما برگردیم. اگر عدالت را بر مبنای حق تعریف کنیم، کافی است به این سوال جواب دهیم که «حق هر کدام از ما چگونه مشخص خواهد شد؟». در اینجا البته پاسخ های مختلفی می توان ابراز داشت که هیچکدام از آنها مستلزم

آیا باید شایعه قطع اینترنت و تحریم آن را جدی بگیریم؟!



محمدعلی نژادایان

عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

فرهنگی، سیاسی، نظامی، امنیتی و... در فضای مجازی شاهد آن هستیم.

اگر از این زندگی مجازی در حال کامل شدن، مراقب نباشیم و درباره‌ی آن درست و به موقع فکر نکنیم، در موضوع فضای مجازی، در قعر جدول پیشرفت در دنیا قرار می‌گیریم؛ اگر به موقع محاسن و معایب این فضا را شناسایی نکنیم، مزیت‌هایی را که در این حوزه داریم، از دست می‌دهیم. ما در حوزه فضای مجازی؛ جوانان نخبه، نیروهای متخصص و توانمند بسیاری داریم که این خود یکی از مزیت‌های بزرگ و مهم است.



باید در این حوزه بررسی کنیم که از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علم و فناوری، امنیت، سبک زندگی در این فضا و... چه قابلیت‌هایی داریم و به چه دستاوردهایی می‌توانیم برسیم؟! باید مکانیزم‌های ارزش‌افزوده اقتصادی در این فضا را بشناسیم. از این‌رو، نخبگان و جامعه علمی ما، باید درگیر این موضوعات مهم بشوند. این حوزه، معادلات اقتصادی خاص خود را دارد و اگر این معادلات را نشناسیم، عقب خواهیم ماند و ضرر می‌کنیم. هر کلیک که در اینترنت انجام می‌دهیم، معادل جابجایی ارز، ارزش دارد. در واقع شاخصی برای این امر نداریم. ما داده و ستانده اطلاعاتی، در این حوزه نداریم. برای یک کلیک، از چند دهم سنت تا چند سنت حاضرند پرداخت کنند. کشورهای دیگر این جدول داده و ستانده را درست کرده‌اند و دارای شاخص هستند تا ببینند چقدر در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان حرکت می‌کنند و گمرک مجازی دارند.

لایه‌های فضای مجازی

قابل ذکر است که در فضای مجازی، سه لایه وجود دارد:

۱- لایه کاربری (دسترسی)؛

۲- لایه مدیریت؛

۳- لایه حاکمیت.

مثال: شما هواپیما و صنعت هوایی و... را در نظر بگیرید! خود هواپیما قابل دسترسی

در پاسخ باید گفت، ما در این باره، با دو دیدگاه مواجه هستیم:

۱- کشورهایی که پیشرفت برای آنها مهم است البته تعداد آنها کم است. این دسته از کشورها، معمولاً در عرصه‌های دیگر نیز نگاه‌شان پیشرفت‌محور است.

۲- تعدادی کشور نیز همیشه وابسته دسته اول هستند و ذیل آنها تعریف می‌شوند.

از این‌رو، قطعاً ما به دلیل شرایط و مزیت‌هایی که داریم، نمی‌توانیم خود را جزو دسته دوم بدانیم؛ زیرا مردم ایران نشان دادند که می‌خواهند جزو رده اول باشند!

قابل ذکر است که از جمله کشورهای دسته یک در فضای مجازی می‌توان؛ آمریکا، آلمان، چین، روسیه، کره جنوبی و... را نام برد. نکته مهمی که باید به آن اشاره شود این است که کره جنوبی، تجربه خوبی را در پیاده‌سازی شبکه ملی اطلاعات کسب کرده است و عملاً بالاترین سرعت اینترنت در کره جنوبی است. حال اگر این کشور می‌خواست وابسته به آمریکا، این کار را دنبال کند، آیا می‌توانست؟!

ما در حال حاضر، شاهد دو نوع زندگی هستیم؛ زندگی واقعی و زندگی مجازی. امروز شاهد این هستیم که هر بُعدی از زندگی در فضای مجازی، در حال باز تعریف شدن است. در واقع شاهد یک نوع زندگی جدید یا نوع جدید زندگی هستیم. تعریف جدیدی از زندگی فردی و اجتماعی در حال شکل‌گیری است و ما معادل ابعاد زندگی واقعی اقتصادی،

در حوزه فضای مجازی، موانعی مانند اینکه زیرساخت‌های ما مزیت‌ساز نیست! وجود دارد! و البته برای دیگران مزیت‌ساز است؛ دیگرانی که ما زیرساخت‌هایمان را وابسته به آنها تعریف کرده‌ایم و آنها از این فرصت، نهایت استفاده را می‌کنند. حال اگر ما به این موضوع توجه نداشته باشیم و زیرساخت‌های خودمان را وابسته به رقیب یا دشمن تعریف کنیم، برای آنها فرصت و برای ما بیشتر تهدیدساز است! حال چه باید کرد؟! سه انتخاب باید داشته باشیم:

الف- بگوئیم ما فضای مجازی را نمی‌خواهیم، چون تهدیدهای زیادی داریم که نمی‌شود!

ب- یک انتخاب این است که همین وضع موجود را داشته باشیم؛ یعنی فرصت‌ساز برای دیگران و تهدیدآمیز برای ما است را ادامه دهیم!

ج- انقلاب اسلامی در فضای مجازی؛ یعنی ما باید شرایط موجود در فضای مجازی را با تسلط بر این فناوری، به سمت یک نظم فرصت‌محور برای خودمان، کل بشریت و انسان‌هایی که می‌خواهند پیشرفت و سعادت را دنبال کنند، پیش ببریم! و این امر شدنی است؛ زیرا مناسبات فضای مجازی در همین سال‌ها در حال رقم خوردن است!

حال پرسشی که پیش می‌آید، این است که آیا فقط ما این نگاه را به فضای مجازی داریم و می‌خواهیم یک چیز را خودمان ایجاد کنیم یا یک مدیریت را خودمان اعمال کنیم یا کشورهای دیگر هم همین کار را می‌کنند؟!

واکاوی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی!

ما در عصر دانش و فناوری هستیم و حتی اقتصادمقاومتی نیز اقتصادی دانش‌بنیان است. از طرفی، دانش بر پایه اطلاعات قرار دارد، یعنی اطلاعات سلول شکل‌گیری دانش است. حال اطلاعات ما در فضای مجازی به کجا می‌رود؟ ما اطلاعات‌دهنده هستیم یا اطلاعات‌گیرنده؟ همین اطلاعاتی که ممکن است برای ما ساده به نظر برسد، در مجموع یک ارزش‌افزوده از اطلاعات شکل می‌گیرد! حال آیا ما داده‌کاو می‌داریم؟

متأسفانه همان‌طور که در حدود پنجاه سال پیش، دانش پالایش نفت را برای مردم ایران باز نمی‌کردند و در چند سال گذشته نیز با اعمال فشار و تحریم نمی‌خواستند ما پی به دانش هسته‌ای ببریم، امروز نیز مردمان ایران تمایلی به کسب دانش فضای مجازی ندارند (البته امروز با شرایط گذشته خیلی فرق کرده و جوانان ما به راحتی، حتی می‌توانند تولیدکننده علوم مختلف باشند). قابل ذکر است که هدف آنها ایران نیست بلکه کشورهایی است که از عدم پیشرفت آنها بیشتر سود می‌برند. از این‌رو، از خارج از کشور یک تبیین اشتباه از شبکه ملی اطلاعات القاء می‌شود که شبکه ملی محدودکننده است و باعث قطع ارتباط با شبکه جهانی می‌شود. در صورتی که کشورهای در این زمینه پیشرفت کردند که دقیقاً از همین مسیر و شیوه طی طریق کرده‌اند، ولی چون می‌دانند شبکه ملی اینترنت باعث پیشرفت می‌شود با ادبیات محدودکننده و بسیار خطرناک مطرح می‌کنند.

حال نکته اول در بحث هسته‌ای، دعوا سر این موضوع است که یک‌سری آن را داشته باشند و یک‌سری از کشورها نداشته باشند، در فضای مجازی نیز همین دیدگاه حاکم است! نکته دیگر این است که ما یک فرصت مهمی داریم؛ ما در ۴۰، ۵۰ سال پیش، هسته‌ای هستیم! در آن سال‌ها، چند تا از کشورها «ان.پی.تی.»^۳ را تاسیس کردند! در واقع، گفتند خب ما باشگاه‌های درجه یک می‌شویم، شورای حکام می‌شویم و یک چیزی مثل ان.پی.تی را تعریف می‌کنیم و هر کشور دیگری که می‌خواهد وارد بحث هسته‌ای شود، اول باید از ما اجازه بگیرد! آنها چون زورشان نمی‌رسید و این فناوری را داشتند، نمی‌توانستند یکدیگر را حذف کنند! ولی اگر دست آمریکا بود، به راحتی بقیه را حذف می‌کرد؛ چون آنها به مرحله‌ی بالاتری رسیده بودند و نمی‌توانستند یکدیگر را حذف کنند، با یکدیگر به توافق رسیدند! در حال حاضر، شرایط فضای مجازی ما مانند ۴۰، ۵۰ سال پیش هسته‌ای است که باید از آن استفاده کنیم تا ۵۰ سال دیگر در دام و فشار دیگران نباشیم و کسی حقوق ما را پایمال نکند!

برای ما است (۱)

هوایما دارای خلبان که در خط‌های هوایی است مثل ایرلاین (۲)

در کشور ما ضوابط حمل و نقل هوایی، در مجلس تدوین شده و بر اساس آن، حریم هوایی شکل گرفته است؛ یعنی دارای قوانینی هستیم که حریم هوایی را مشخص می‌کند (۳)

وقتی ما سوار بوئینگ می‌شویم، آیا از قوانین آمریکا استفاده می‌کنیم؟ آیا وقتی سوار ایرباس می‌شویم، از قوانین فرانسه استفاده می‌کنیم؟ جواب خیر هست! چون ما در این حوزه کارهایی کردیم؛ از جمله خلبان تربیت کردیم، شرکت‌های هوایی داریم و همچنین پدافند هوایی داریم که از قوانین و حاکمیت حمایت می‌کند.

به طور مثال؛ ریگی تروریست که وقتی از حریم هوایی ایران خواست عبور کند دستگیر شد. یا عبور چند نیروی ناتو که در یک هوایما تجاری، وقتی خواستند از حریم هوایی ایران خارج شوند، هوایما حامل آنها نشانده شد و بعد از دادن تعهد، به مسیر خود ادامه دادند.

البته این اقتدار، در خیلی از کشورها در این حوزه وجود ندارد؛ لذا در حوزه فضای مجازی نیز کشورهای صاحب نام، فقط لایه کاربری را ندیده‌اند بلکه لایه مدیریتی و لایه حاکمیتی را هم دیده‌اند.

حال ما در این حوزه، باید لایه مدیریتی و حاکمیتی را هم بررسی کنیم و همان اقتداری که به طور مثال در حوزه هوایی داریم، باید در حوزه مجازی نیز داشته باشیم.

در نتیجه، اگر تهدید محدودیت دسترسی به اینترنت و یا خدمات اینترنتی شایعه باشد، مناسب است هر چه زودتر، ارگان‌ها و دستگاه‌های مربوط به حوزه فضای مجازی، تصمیمات لازم را اتخاذ کند. باید هرچه سریع‌تر موانع مدیریتی در این حوزه، برطرف شود و اینترنت داخلی (اینترنت)، سرویس جستجو و ارسال پیام (ایمیل) داخلی را بسازیم.

منابع:

۱ - مقصودی، محسن (مجری)، مهدی صرامی (مدیرعامل مجمع فعالان فضای مجازی انقلاب اسلامی)، علی رضا شاه میرزایی (عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی)، برگرفته از برنامه ۱۲۷ ثریا، شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ خرداد ۱۳۹۴

۲- نژادبان، محمدعلی (۱۳۹۷)، موفقیت‌شناسی اقتصادی در راستای حمایت از تولید داخلی، چاپ اول، تهران: موفقیت‌شناسی

Data Mining

(ان. پی. تی) معاهده منع گسترش هسته‌ای

Nuclear Non-Proliferation Treaty (N.P.T)



حس آمیزی

است و افرادی که به آن مبتلا هستند واقعا دنیا را متفاوت تجربه می‌کنند!

برخی افراد مبتلا به حس آمیزی اظهار دارند شرایطشان گاهی اوقات آزاردهنده است. برای مثال؛ زمانی که کلمه‌ای به رنگ اشتباه چاپ شده باشد برایشان عجیب است، و یا برخی نام‌ها مزه‌ی بدی برایشان دارد! برخی افراد مبتلا از داشتن حس‌های بیش از حد، رنج می‌برند یا در زمان کودکی از توضیح تجربیاتی که نمی‌دانستند غیرمعمول است، خجالت‌زده می‌شدند.

با این وجود بیشتر افراد مبتلا به حس آمیزی این توانایی خود را یک هدیه دانسته و هرگز نمی‌خواهند آن را از دست بدهند.

برای نمونه، در سال ۲۰۰۵، Daniel Tammet با حفظ کردن ۵۱۴،۲۲ رقم از عدد پی در ۵ ساعت، رکورد زد! او این رکورد را مدیون توانایی‌اش در دیدن اعداد به رنگ‌ها، طرح‌ها و صداهای متفاوت است.

شواهد نشان می‌دهند ممکن است افراد مبتلا به حس آمیزی خلاقیت بیشتری نیز داشته باشند. در مطالعه‌ای در دانشگاه کالیفرنیا، برای سنجش میزان خلاقیت از دانش‌آموزان تست Torrance Tests of Creative Thinking گرفته شد. افرادی که مبتلا به حس آمیزی بودند دو برابر بهتر از سایرین امتیاز آوردند.

در برخی مواقع این شرایط عصبی حتی موجب پذیرش بهتر در موقعیت‌های شغلی شده است. برای مثال برخی کارخانه‌های ماشین‌سازی افراد مبتلا به حس آمیزی را استخدام می‌کنند تا به طراحان کمک کنند ماشین‌های راحت‌تری را طراحی کنند.

حال اگر حدس می‌زنید از این توانایی برخوردار هستید، پیشنهاد می‌کنم در اینترنت به سایت‌هایی که دارای تست‌های تشخیص synesthesia می‌باشند، رجوع کنید

منابع:

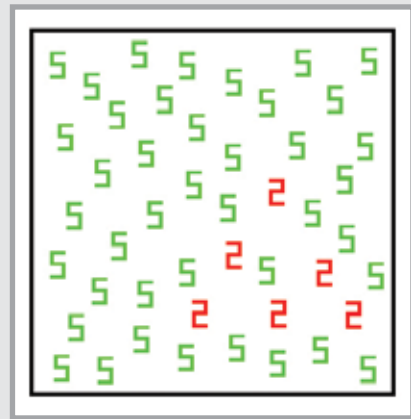
synesthesia.com

synesthesia.blogspot.com

psychnews.ir

virtualdr.ir

اما اگر اعداد شما رنگ مخصوص خود را داشته باشند بلافاصله مثلث اعداد ۲ را تشخیص خواهید داد و تصویر را به این صورت تجسم خواهید کرد:



در این جا این سوال پیش می‌آید که علت این اختلال چیست و چرا در برخی افراد به وجود می‌آید؟

آزمایشگاه Eagleman به دنبال ژنی است که موجب حس آمیزی می‌شود، در حال حاضر او ناحیه‌ای را در یکی از کروموزوم‌ها شناسایی کرده است که مرتبط با حس آمیزی حروف رنگی می‌باشد.

محققان معتقدند این پدیده به دلیل نوعی تداخل در مسیرهای عصبی مغز است و مغز افرادی که مبتلا به حس آمیزی هستند، ارتباطات عصبی بیشتری نسبت به دیگران دارد.

Daphne Maurer، روانپزشک دانشگاه McMaster، معتقد است احتمالا همه‌ی ما با ارتباطات عصبی که موجب حس آمیزی می‌شوند به دنیا آمده‌ایم، اما بیشتر ما هنگام بزرگ شدن این ارتباطات را از دست می‌دهیم.

محققان نیز مغز افراد مبتلا به حس آمیزی را بررسی کردند.

با استفاده از توموگرافی نشر پوزیترون و fMRI، آنها دریافتند افرادی که در موسیقی، رنگ‌ها را می‌بینند در پاسخ به صداها فعالیت ناحیه‌ی بینایی مغزشان نیز افزایش می‌یابد.

Eagleman فکر می‌کند احتمالا در مغز افرادی که مبتلا به حس آمیزی نیستند نیز حس آمیزی در حال رخ دادن است، اما شخص تا زمانی که مجبور نشود، از آن آگاه نخواهد بود.

او همچنین می‌گوید این یک پدیده‌ی واقعی

به نظر شما چهارشنبه چه رنگی است؟

آیا پاییز مرد چاق گنده‌ای است که ریش خنایی رنگ کوتاهی دارد؟

عدد ۷ قرمز است یا بنفش؟

حرف جیم، ترش است یا شیرین؟

کلمه‌ی سیب چه نوع آوایی را برای شما تداعی می‌کند؟!

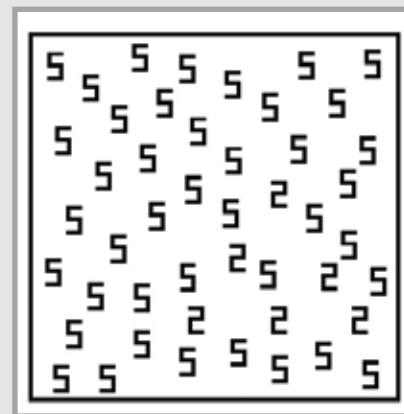
اگر این سوال‌ها برای شما مسخره و بی‌مفهوم به نظر می‌رسد باید بهتون تبریک بگم شما یک فرد معمولی هستید، اما اگر از جملات بالا مفهومی درک می‌کنید و یا پاسخ به این سوالات براتان عجیب و غیرعادی نیست، ممکن است شما دچار بیماری (و یا شاید هم توانایی) حس آمیزی و یا Synesthesia باشید!

حال ممکن است بپرسید حس آمیزی چیست؟

به طور ساده حس آمیزی و یا سینستریا یک وضعیت ادراکی است که در آن تحریک یک حس، موجب راه‌اندازی و برانگیختگی غیرارادی و اتوماتیک حسی دیگر می‌شود.

تا مدت‌ها این پدیده به موضوعی غیرواقعی تعبیر می‌شد، اما تحقیقات سال‌های اخیر دانشمندان، واقعی بودن آن را آشکار کرده است. سینستریا ممکن است میان ترکیبی از حس‌ها و یا حتی مسیرهای شناختی رخ دهد. افراد مبتلا به سینستریا ممکن است صداها را "بینند"، کلمات را بچشند یا رایحه‌ها را با پوست خود لمس کنند. آنها حتی ممکن است مفاهیم انتزاعی مانند زمان را در اطراف خود ببینند!

برای درک بهتر این مفهوم به تصویر زیر نگاه کنید، در این تصویر، برای فردی که مبتلا به حس آمیزی حروف رنگی نباشد، تشخیص اعداد سیاه ۲ از ۵ های سیاه دشوار خواهد بود.





نازنین داراب زاده

دکتری تکنولوژی مواد غذایی دانشگاه
تربیت مدرس



یوسف فرخزاد

دانشجوی دکتری علوم و مهندسی باغبانی
دانشگاه تربیت مدرس

یک کوله تنهایی

تقدیم به جانباز شهید سردار حبیب لکزایی

بگذار عشق خاصیت تو باشد ...



غروب جمعه است و دلگیری همیشگی‌اش؛ لیوان چای را برمی‌دارم و خیره می‌شوم به صفحه‌ی روبرویم؛ نوشته: "بگذار عشق خاصیت تو باشد نه رابطه‌ی خاص تو با کسی..." یادم می‌آید که قبل‌ترها چقدر به این جمله فکر کرده بودم. یعنی نویسنده‌اش چه حالی داشته وقتی آن را نوشته؟! یعنی خاطره چه کسی در ذهنش زنده شده که آنقدر زیبا توصیفش کرده؟!

راستی کسی که عشق خاصیت‌اش است چه جور آدمیست؟! گفته عشق را محدود نکن به رابطات با یک مخاطب خاص!

با خودم فکر می‌کنم می‌شود عشق، خاصیت یک آدم باشد؟ می‌شود یک آدم بشود خود خود عشق؟!

آدمی که ذاتش آمیخته با عشق است، مهر می‌پاشد از نگاهش؛ محبت در لابلای واژه واژه‌ی کلامش می‌درخشد و دست‌هایش بوی آشنای دوستی می‌دهد... فکر می‌کنم هر کس در مواجهه با خود خود عشق، چاره‌ای جز دل دادن ندارد؛ فارغ از سن و سال، جنسیت و جایگاه، عشق جاذب روح است و آرام جان بی‌قرار...

سعی می‌کنم مجسم کنم آدمی را که عشق خاصیت وجودش است چه شمالی دارد؟ لابد چشم‌هایی دارد نافذ و پرمهر، قلبی تپنده، دست‌هایی نوازشگر، آغوشی باز و زبانی برای مهربانگی؛ آرام جان است او. دوست داشتنش بی‌دلیل و بی‌منت است؛ سینه‌اش گشاده برای شنیدن اسرار و لبخندش بر لب برای سکین بی‌تابی‌هایت... برمودایی است که روح را جذب و جان را در آرامش خود غرق می‌کند...

من حتی در خیالم هم عاشق چنین وجود نازنینی شدم چه رسد به دیدنش و نگاه کردن در دریای چشم‌هایش... حالا چقدر بهتر می‌فهمم حال خالق این جمله را؛ چه نغز گفته، چه ناب گفته؛ کاش عشق خاصیت‌مان باشد نه رابطه خاص‌مان با کسی....



دیدم ولی با دیدگان جان و دل نه
لطفی نما این بار را بهتر ببینم
این عشق امشب آمده در باورم تا
اسطوره‌ی ایثار را بهتر ببینم
صد درد را با دیدنت کردی نصیبم
حالا کجاها رفته‌ای خوبم، حبیبم
حال و هوای خانه از بوی تو خالیست
از شور چشمان غزل گوی تو خالیست
شاید از اینجا برده تا مرز یقینت
این عشق، این هم سنگر و این هم نشینت
با لاله‌های جبهه‌ها هم‌رنگ بودی
شاید گلم، تنها تو هم دلتنگ بودی
دنیا ی من وا مانده در فهمیدن تو
آدم مسیحا می‌شود با دیدن تو
با خود شلمچه برده‌ای شیدائیت را
آن کوله بار مملو از تنهائیت را
یک روز بارانی در آن صبح صمیمی
پرواز کردی سوی یاران قدیمی...

چون موج از خود بی‌خودم، دیوانه‌ام من
آتش‌فشانی دیده‌ام پروانه‌ام من
یا باید اینجا چشم در دنیا بدوزم
یا بال در آتش زخم خود را بسوزم
ای عشق امشب کاری از بهر خدا کن
از من چه می‌خواهی مگر من را رها کن
بی‌بال و پر، بی‌دست و پا من این چنینم
مثل کبوتر نیستم مرغ زمینم
گویا مرا در حال افتادن ندیدی
اینجا کسی دیوانه‌تر از من ندیدی
ای عشق با یک یا علی از خاک برخیز
خورشید را بر سر در چشمم بیاویز
می‌خواهم این بیدار را بهتر ببینم
این مخزن الاسرار را بهتر ببینم
ای مرتفع ای عشق، اینک یاریم کن
تا آن ور دیوار را بهتر ببینم
این پیکر آمیخته با گوهر درد
این بی‌سر بر دار را بهتر ببینم

پسندم آنچه را جانان پسندد ...



دلآرام

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

کسانی به صلاح تر برای رفتن بودند، شاید که نه، صد البته به صلاح بوده که بمونی و به درس و مشقت بچسبی، آره همینطور غیر از این نیست و ... تمام فکر و ذهنم از این حرفها و کلنجارها پر شده بود. بالاخره هر طوری بود اون شب با خودم کنار امدم و گفتم خدایا راضیم به رضای تو.

یکی دو روز از اون شب نگذشته بود که تو سایت اینیستای لیبیک دیدم نوشته، کسانی که از سفر عتبات دانشجویی امسال جا موندن، به جمله از حسشون بنویسن و ارسال کنند. خیلی جالب بود اولین جمله‌ای که به ذهنم امد رو نوشتم و ارسال کردم. "پسندم آنچه را جانان پسندد" ولی واقعیت امر این بود که این جمله نه از ذهن، که از دل برآمده بود. بارها و بارها اون شب این جمله را تکرار کردم و با اون حس آرامش عجیبی داشتم.

یه روز که برای نماز ظهر به مسجد رفته بودم، یکی از بچه‌های هیئت و دیدم که ازم خواست برای دهی محرم کمکشون کنم، با کمال میل قبول کردم. و خدا رو شکر چند شبی توفیق خدمت با بچه‌های هیئت رو پیدا کردم. یه شب که از مسجد برگشته بودم، روی تختم دراز کشیدم که کمی خستگی در کنم. به طور اتفاقی توی اینستاگرام صفحه‌ای باز کردم، تصویر حرم امام حسین (ع) بود و بین الحرمین، و مداحی زیبا و پرشوری که داغ چند شب پیشم رو تازه کرد و بغضم ترکید. مثل بچه‌ها زدم زیر گریه و اصلا برام مهم نبود کسی صدای گریه‌ام رو بشنوه. بدجور دلم تنگ شده بود، یه دل سیر گریه کردم. اون شب هر جوری که بود گذشت و من فردای اون شب طبق معمول آماده شدم و به مسجد رفتم. شب حین انجام کارم تو مسجد بودم که یکی از دوستانم بهم گفت: دلت نمیخواد موبک امام حسین (ع) باشی؟ بلافاصله جواب دادم، چرا که نه از خدمه. واقعا فکر نکرده جواب دادم، نه فکر گزارش ماهانه و نه کلاس و نه هیچ چیز دیگه‌ای. تنها چیزی که تو فکرم بود رفتن به کربلا بود و رسیدن به نهایت آرزوها. شاید باورش کمی سخت باشه ولی حالا که از کربلا و بهشت مولا علی (ع) برمی‌گردم، می‌بینم چقدر خوب برام چیدن و من چقدر بی‌صبر بودم. چقدر زیبا بود وقتی به این فکر می‌کردم که فاطمه زهرا (س) تو را هم برای خادمی فرزند عزیزشون انتخاب کردن. چه حس عجیبی بود، چه حس لطیفی بود ...



بین الحرمین از تو ذهنم می‌گذشت و اینکه دوباره قراره کی فرصت پیش بیاد. اون شب بغض تو گلوم و قورت دادم و اشکی نریختم. و شروع کردم به توجیه خودم و پیش خودم گفتم حتما واجب‌تر از من هم برای طلبیده شدن، بوده و لابد

نوشته قرمز بود که برای انتخاب نشدنم اعلام تاسف می‌کرد. بغض گلومو گرفت و اشک تو چشمم حلقه زد، یه جورایی می‌شد گفت دلم شکست. بماند که اون لحظه چی به مولام گفتم و چطور با این غم کنار اومدم. دائما تصویر نجف در

امسال با اینکه پایان‌نامه‌ام کلی عقب افتاده بود و چند واحد پاس نکرده داشتم، دل و زدم به دریا و برای عتبات دانشجویی ثبت نام کردم. چقدر هزینه‌ها نسبت به پارسال بیشتر شده بود، در ضمن برای خانم‌ها تنها گزینه، سفر هوایی بود و از سفر زمینی خبری نبود. خب این مزید بر علت بود تا کلی هزینه‌ها بالاتر برود. در هر صورت ثبت نام کردم و دلم خیلی روشن بود که اسمم در میاد و ان‌شاء. جزو طلبیده شده‌ها هستم. با شوق وصف‌ناپذیری منتظر روز قرعه‌کشی و اعلام نتایج بودم و همش تو دلم التماس آقا رو می‌کردم که نکنه من از قلم بیفتم.

اون شب پر استرس رسید و نتایج اعلام شد و در عین ناباوری اسمی از من بین انتخاب شده‌ها نبود. دردناک بود ولی واقعیت داشت؛ من یکی از جامونده‌ها بودم؛ دردناک‌تر اینکه، حتی تو لیست ذخیره‌ها هم نبودم. باورم نمی‌شد، چندبار صفحه اعلام نتایج و بستم و دوباره باز کردم تا شاید فرجی بشه، نه، هیچی عوض نشد، همچنان یه

به خودمان رحم کنیم!



منابع:

سوره المطففین، آیات ۱ تا ۴:

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

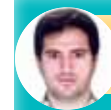
«وای به حال کم فروشان. آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند. و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند. آیا آنها نمی‌دانند که (پس از مرگ برای مجازات) برانگیخته می‌شوند.»



الناز عارفی‌فر

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس

به جرئت می‌توان گفت که در گرانی این روزهای جامعه، مردم عادی و بازاری‌ها، مقصر نیستند، در این مطلب هم به دنبال مقصر نیستیم، اما چیزی که شاهد بودیم دامن زدن و سودجویی برخی افراد کاسب است که از احتیاج هموعان خودشان به محصولی که ارائه می‌دهند، سوءاستفاده کردند، و برخی مردم عادی که به دلیل حرص و ترس از گرانی بیشتر و در واکنش به عمل کاسب‌های محترک، بیش از نیاز خود می‌خریدند. شاید اگر دیگران را مانند خودمان می‌دانستیم و همان قدر که همه چیز را برای خود کامل و بی‌نقص می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم، این مشکل به وجود نیاید. اهمیت و تاثیر مخرب احتکار و کم فروشی، چنان است که یک سوره از قرآن به «کم فروشان» (المطففین) اختصاص داده شده تا شدت بدی عملشان را نشان دهد:



هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

بحران ارزی در ایران و راه‌های مقابله با آن



ایران طراحی شده است.

از سوی دیگر مشکلات اقتصادی که در ایران پدید آمده، تنها به واسطه مسائل ارزی نبوده، بلکه بحران‌های داخلی نظیر رشد نقدینگی هم در این میان اثرات منفی داشته است. در سال‌های پس از انقلاب نسبت نقدینگی به تولید داخلی همواره تا میزان ۶۰ درصد بوده، اما بر اثر کاهش ارزش پول ملی به بیش از ۱۰۰ درصد رشد یافته است. این امر بدان معنی است که میزان دارایی مردم بیشتر

مشکلات اقتصادی موجب برهم ریختن برنامه‌های جاری و توسعه‌ای می‌گردد و هزینه‌های زندگی شهروندان ایرانی را افزایش می‌بخشد. در بلندمدت، بحران‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از نارضایتی عمومی، چالش‌های اقتصادی را تشدید خواهد کرد. این همان نقشه شومی است که ایالات متحده برای تهدید حیات اقتصادی ایران کشیده و تمامی امکاناتش را برای نیل بدان بسیج کرده است. برای مقابله با این تهدیدات، تمهیدات بزرگی باید. برای نمونه باید طرف‌های تجاری را متنوع کرد و مشتریان جدیدی برای نفت و صادرات پتروشیمی یافت.

از تولید و موجودی کالاها و خدمات در بازار است و برای خرید اجناس باید بهای بیشتری پرداخت. بدین ترتیب تورم بر اثر نقدینگی مانند ابری باران‌زاست که در بازار سکه، خودرو و مسکن باریده است. مجموع این مسائل، اقتصاد ایران را در میانه سال ۹۷ با بحران‌های تورم افسارگسیخته، سقوط پول ملی و کسری تجاری در بازرگانی خارجی مواجه کرده است. در حالی که وضعیت سیاسی، نظامی و صنعتی ایران در وضعیت قابل قبولی است، مشکلات اقتصادی موجب برهم ریختن برنامه‌های جاری و توسعه‌ای می‌گردد و هزینه‌های زندگی شهروندان ایرانی را افزایش می‌بخشد. در بلندمدت، بحران‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از نارضایتی عمومی، چالش‌های اقتصادی را تشدید خواهد کرد. این همان نقشه شومی است که ایالات متحده برای تهدید حیات اقتصادی ایران کشیده و تمامی امکاناتش را برای نیل بدان بسیج کرده است. برای مقابله با این تهدیدات، تمهیدات بزرگی باید. برای نمونه باید طرف‌های تجاری را متنوع کرد و مشتریان جدیدی برای نفت و صادرات پتروشیمی یافت. همچنین تغییر پایه ذخایر ارزی به یورو در طی زمان و تشکیل اتحادیه‌های تبادل غیردلاری

منابع:

The Office of Foreign Assets Control

به دنبال اعلام خروج آمریکا از پیمان اتمی، نرخ مبادله دلار در بازارهای غیررسمی ایران دستخوش نوساناتی شد. به گونه‌ای که بهای آن از تیرماه ۱۳۹۷ (کمتر از ۴ هزار تومان) تا ۱۹ هزار تومان افزایش یافت و سپس به حدود ۱۵ هزار تومان رسید. این مسئله ناشی از نقض توافق ایالات متحده در خصوص دسترسی ایران به ارز بین‌المللی دلار بود. آمریکا فروش اسکناس دلار را به دولت ایران ممنوع کرد و هر فرد یا نهادی که در جهان به دولت ایران برای تهیه آن کمک می‌نمود، مثلاً با ارائه خدمات مرتبط با تأمین مالی، در فهرست سیاه خویش قرار می‌داد. نکته قابل توجه اینکه شاخص ارزی، متغیر مهمی در محاسبات اقتصاد کلان محسوب می‌شود و بحران در آن می‌تواند مخرب‌تر از جنگ نظامی در هر کشوری باشد. بر این اساس ایالات متحده از طریق دفتر کنترل دارایی‌های خارجی ۱۲ آسیب‌های ارزی ایران را شناخته و درآمد صادراتی نفت و پتروشیمی ایران را محدود می‌کند.

با توجه به این واقعیت که اصلی‌ترین منبع درآمد ارزی دولت از طریق فروش نفت و فرآورده‌های آن تأمین می‌شود، توقف یا محدودیت در فروش آن ضربات سختی بر پیکره اقتصاد ایران وارد خواهد کرد. یکی دیگر از آسیب‌های اقتصاد ایران، محدود بودن شرکای تجاری آن است و آمریکا از طریق فشارهای سیاسی یا اقتصادی در پی منصرف کردن این مشتریان از تداوم رابطه بازرگانی یا نفتی با ایران است. کشورهایی همچون چین، امارات، هند، ترکیه، کره جنوبی و ژاپن تا ۷۰ درصد صادرات و واردات ایران را پوشش می‌دهند و هر گونه تغییر در مناسبات سیاسی این کشورها با طرفی که نقض‌کننده برجام بوده است، بر مبادلات تجاری با کشورمان تأثیر می‌گذارد. همچنین بیش از نیمی از مصارف ارزی ایران در شیخ‌نشین دبی صورت می‌گیرد و تمام این واقعیات موردتوجه ایالات متحده آمریکاست. چنانکه وزارتخانه‌های خزانه‌داری و امور خارجه این کشور تحرکات وسیعی را برای کاهش فعالیت‌های اقتصادی یا سرمایه‌گذاری در ایران شروع کرده‌اند تا درآمدهای ارزی و جریان طبیعی اقتصاد را با مشکل مواجه نمایند. به نوعی یک جنگ ارزی-اقتصادی علیه



دعوت به همکاری

نشریه چشمه از دانشجویان خوش ذوق و صاحب قلم دعوت به همکاری می‌نماید. علاقمندان می‌توانند دیدگاه‌ها، افکار، تجربیات، برداشت‌ها و پیشنهادات خود در قالب‌های گزارش، طنز، شعر، داستان، دلنوشته‌ها و کاریکاتور ارسال نمایند. برای ارسال، از هر راه ارتباطی می‌توانند استفاده کنید، هم ایمیل داریم و هم در شبکه اجتماعی حاضریم، اگر تشریف بیاورید، در گروه نویسندگان چشمه هم پذیرتان خواهیم بود. برای شماره آتی، منتظران هستیم ...



معرفی کتابخانه مرکزی



علی خداوردی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معدن
دانشگاه تربیت مدرس



کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس که از سال ۱۳۶۲ فعالیت خود را شروع کرده با وسعتی بالغ بر ۷۲۰۰ متر مربع و دارا بودن ۳۷ نفر کارمند یکی از مکان‌هایی است که دانشجویان در طول تحصیل به طور مستقیم یا غیرمستقیم همه روزه با آن سر و کار دارند چون این کتابخانه یکی از برترین کتابخانه‌های دانشگاهی کشور در زمینه خدمات و منابع چاپی و الکترونیکی است که در زیر به برخی از خدمات و ویژگی‌های آن اشاره می‌نماییم.

طبقه زیرزمین کتابخانه شامل سالن مطالعه، گروه اطلاع‌رسانی، و بخش کتب مرجع و نشریات است. طبقه همکف شامل سه سالن مطالعه عمومی، برادران و خواهران است که دو سالن آخری به صورت ۲۴ ساعته در اختیار دانشجویان قرار دارد. طبقه اول شامل قسمت‌های چاپ و تکثیر، قسمت‌های اداری، از جمله مرکز نشر آثار و تامین مدرک است دانشجویان در این مراکز می‌توانید پایان‌نامه‌های دانشجویان فارغ‌التحصیل شده را به صورت آنلاین مطالعه نمایند. همچنین اتاق جلسات، بخش مدیریت و مرکز دیداری شنیداری (برای امانت گرفتن منابع نرم‌افزاری و صوتی و تصویری آموزشی) و... نیز در این طبقه قرار دارد. مرکز دیداری شنیداری یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های کتابخانه است. این مرکز، دارای انواع نرم‌افزارهای کاربردی و فایل‌های آموزشی است. همچنین طبقه دوم شامل یک سالن

آنچه مهم است دانشجویان ورودی جدید به آن توجه نمایند، شرکت در تور آشنایی با کتابخانه است که همه ساله برای ورودی‌های جدید برگزار می‌شود و همه دانشجویان موظف هستند قبل از ثبت پروپوزال خود در ترم‌های آتی تور آشنایی با کتابخانه را گذرانده باشند. در این تور نحوه استفاده از خدمات مختلف کتابخانه و خدمات آنلاین آن توضیح داده می‌شود. در پایان تحصیلات نیز تمامی دانشجویان فارغ‌التحصیل شده موظف هستند یک نمونه از پایان‌نامه یا رساله خود را جهت تصفیه حساب و استفاده سایر دانشجویان در اختیار کتابخانه قرار دهند.

چکیده، فهرست مطالب و منابع کلیه پایان‌نامه‌های دانشگاه، اتصال رایگان به ده‌ها مجله و پایگاه اطلاعاتی برای دانلود رایگان مقالات علمی دسترسی دارند. در این مورد بسیار دیده شده است که دانشجویان دانشگاه‌های دیگر نیز برای برخورداری از این امکانات به کتابخانه این دانشگاه مراجعه می‌نمایند. همچنین در مواردی که امکان دسترسی به یک پایگاه اطلاعاتی به صورت آزاد برای دانشجویان فراهم نیست، این امکان وجود دارد با پرکردن آنلاین یک فرم درخواست از طریق سایت دانشگاه، مقاله موردنیاز خود را در کمتر از ۲۴ ساعت کاری از طریق ایمیل دریافت نمایید.

مطالعه، گروه خدمات کتابداری، مخزن کتاب‌های فارسی و لاتین است که تمامی دانشجویان می‌توانند از طریق سایت دانشگاه و با جستجوی آنلاین در منابع کتابخانه‌ای به لیستی از منابع موردنیاز خود دسترسی پیدا نموده و برای دریافت منابع موردنیاز به کتابخانه مراجعه نمایند. قابل ذکر است، رزرو و تمدید آنلاین نیز از طریق سایت ممکن است. ویژگی بارز کتابخانه تربیت مدرس مکانیزه بودن اکثر خدمات آن است به طوری که دانشجویان در بدو ورود با فعال نمودن یک اکانت مدرسی علاوه بر دریافت ۳،۶ گیگ اینترنت هفتگی در دانشگاه و خوابگاه به خدمات مختلفی از جمله اطلاعات کتاب‌شناختی کلیه منابع کتابخانه مرکزی و دسترسی به

کشاورزی فراسرزمینی، پلی برای تحقق اهداف "اقتصاد مقاومتی"



بهنام حسینی‌لو

دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک
بیوسیستم دانشگاه تربیت مدرس

*ابتدا معرفی مختصری از خودتان برای مخاطبان چشمه ارائه دهید.

مسعود بیژنی، عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس هستم. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد خویش را به ترتیب در دانشگاه‌های "شیراز" و "تهران" سپری نمودم. دکتری اول را در همین رشته در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات تهران) و دکتری دوم را در رشته ترویج کشاورزی در دانشگاه شیراز گذراندم. در طول دوره دکتری از فرصت مطالعاتی در کشور آلمان (Free University of Berlin) نیز استفاده کرده و از اسفندماه ۱۳۹۱ افتخار حضور در دانشگاه تربیت مدرس را دارم. علاقه‌مندی مطالعاتی‌ام؛ پژوهش در راستای فعالیت‌های زیست‌محیطی و به ویژه مطالعات آب در حوزه اجتماعی است.

*کشاورزی فراسرزمینی و اهداف آن را برای ما توضیح دهید.

کشاورزی ایران با توجه به تغییرات اقلیمی، خشکسالی و کاهش نزولات آسمانی، افزایش جمعیت و رشد تقاضا برای محصولات و گاهی کاهش قدرت رقابت با محصولات وارداتی، در دهه اخیر دچار چالش شدیدی شده و نیازمند تغییر و بازنگری اصولی می‌باشد. یکی از دغدغه‌ها در این زمینه افزایش دانش‌آموختگان بیکار کشاورزی و از سوی کاهش رغبت متقاضیان ورودی دانشگاه‌ها برای ادامه تحصیل در رشته‌های کشاورزی و همچنین افت کیفی دانشجویان ورودی مراکز آموزش عالی کشاورزی می‌باشد. بر این اساس، یکی از برنامه‌های راهبردی در عرصه سیاست‌گذاری کشاورزی، روی آوردن فارغ‌التحصیلان و مهندسان کشاورزی به کشاورزی برون‌مرزی در عرصه‌های مختلف همچون کشت و کار برون‌مرزی، سدسازی و تأمین سازه‌های آبی در بیرون از ایران و همچنین جذب پتانسیل‌های کشاورزی برون‌مرزی در ایران همچون امور مالی و استعدادهای انسانی در این حوزه می‌باشد. هدف از این امر، ضمن تأمین نیازهای داخلی، تدارک فرصتی برای جهانی شدن در عرصه کشاورزی و یا حداقل در سطح منطقه و کشورهای همجوار است. پر واضح است که عرصه کشاورزی فراسرزمینی (Overseas Agriculture) در حیطه‌های مختلف قابل واکاوی است که از این موارد

خریده یا اجاره کنیم و در آن زمین‌ها کشت و کار کنیم و حتی اگر لازم باشد، کارخانه‌ای در آن کشور احداث کنیم. ولی زمانی که حرف از ایجاد کارخانه به میان می‌آید، دیگر از زمینه‌ی کشت خارج شده و وارد کشاورزی فراسرزمینی می‌شویم. پس کشاورزی فراسرزمینی، مقوله‌ی وسیع‌تری نسبت به کشت فراسرزمینی می‌باشد. این نوع کشاورزی می‌تواند ابعاد گوناگونی مانند بهبود یک‌سری مسائل مربوط به حوزه‌های مختلف خارج از مرزهای خودمان داشته باشد. فعالیت‌هایی مانند سدسازی، کشت و کار، دامپروری، مکانیزاسیون، کارخانجات موادغذایی و به ویژه آموزش در عرصه‌های مختلف کشاورزی (در درون و یا بیرون از ایران) که این گونه فعالیت‌ها به موضوعی متداول در دنیا تبدیل شده است. برخی کشورها بستر خوبی برای این کار هستند؛ مثلاً کشورهای سوریه و عراق، با توجه به فعالیت‌ها و خدماتی که قبلاً در آنجا انجام داده‌ایم، می‌توانند بستر مناسبی برای این موضوع باشند. این می‌تواند یک حالت به اصطلاح بُرد - بُرد برای هر دو کشور باشد. در

بهینه از منابع داخلی و ارزآوری به درون کشور و همچنین ایجاد اشتغال برای دانشجویان نیاز به کار کشاورزی، در شرایط فعلی، یکی از مهمترین اقدامات، تمرکز و توجه به مقوله‌ی "کشاورزی فراسرزمینی" می‌باشد. باید در وهله‌ی اول، تفاوت کشاورزی فراسرزمینی با کشت فراسرزمینی را درک کنیم. کشت فراسرزمینی یعنی اینکه مادر جایی خارج از سرزمین خود (کشور دیگری) زمین

فعالیت در عرصه کشاورزی فراسرزمینی، بستر بسیار خوبی برای بهره‌گیری از پتانسیل نیروی جوان و متخصص موجود (مثلاً ۴۰ هزار دانشجوی کشاورزی بیکار موجود) در کشور می‌باشد؛ بنابراین ما می‌توانیم با یک تیر، چند نشان را هدف قرار دهیم. همانطور که پیش از این اشاره شد کشاورزی فراسرزمینی فقط این نیست که برویم و در کشور دیگری کشاورزی کنیم، بلکه باید گاهی اوقات نیز، چیزهایی را وارد کشور کنیم. مثال بارز در این زمینه، جذب دانشجوی خارجی در رشته‌های کشاورزی و آموزش آنها است که علاوه بر کمک به اقتصاد کشور، می‌تواند مزیت‌های دیگری مانند صدور فرهنگ غنی کشور، انتقال تجربیات طرفین، استفاده از توان علمی و خلاقیت‌های نیروهای جذب داشته باشد.

می‌توان به اجاره زمین و کشت و کار در کشورهای مناسب و مقرون‌به‌صرفه، تأمین ساخت زیرساخت‌های لازم در بخش کشاورزی در داخل و خارج کشور، آموزش افراد و تربیت متخصصان برای اعزام به کشورهای هدف و نیز جذب دانشجویان برای پرورش و تربیت نیروی کار مورد نیاز کشورهای دیگر، اشاره کرد.

بر این اساس، می‌توان گفت کشاورزی فراسرزمینی؛ مجموعه فعالیت‌هایی است که با توجه به شرایط اقلیمی، سیاسی و اجتماعی کشور به صورت هدف، برای تأمین نیازهای کشور سرمایه‌گذار می‌باشد. این سرمایه‌گذاری سود دو سویه داشته و با توجه به کار موردنظر؛ ادوات، امکانات و نیز علم از کشور مبداء (سرمایه‌گذار) تأمین می‌شود تا با توافق‌های صورت گرفته در کشور بهره‌برداری شوند. این فعالیت‌ها باعث اغنا و توسعه دانش کشور مقصد در زمینه‌های کاری نیز می‌گردد. همچنین به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی تبعات و سود و زیان خاص خود را برای کشورها به همراه خواهد داشت. بنابراین در راستای تحقق اهداف "اقتصاد مقاومتی" به ویژه در رابطه با استفاده‌ی

باشد. بالطبع فرهنگ سازی بستر اولیه برای این موضوع خواهد بود.

*و حرف آخر:

یکی از زمینه‌هایی که ایران دارای قدرت رقابت پذیری در عرصه بین‌المللی است، همانا "کشاورزی" است. کشاورزی فراسرزیمینی موضوع و بستری است که با توجه به پتانسیل‌های موجود می‌تواند این رقابت‌پذیری را بیشتر نماید. بالطبع اگر توجه شایسته به آن صورت نگیرد، افسوس آینده را به همراه خواهد داشت. امید است با تمرکز مناسب بر این موضوع، گامی بلند در جهت پیشرفت کشاورزی ایران اسلامی داشته باشیم.

بیشتری در این موضوع وجود دارد و با رعایت پیش‌زمینه‌های لازم می‌توان بر محدودیت‌های آن غلبه کرد و حتی تهدیدات آن را به فرصتی برای کشور تبدیل نمود. بی‌شک این کار نیازمند مدیریتی هوشمندانه است.

*به نظر شما چه ملزومات و همراهی و چه ارگان‌هایی برای اجرای هر چه بهتر این طرح نیازمند است؟

چنین موضوع گسترده‌ای نیازمند همکاری ارگان‌های زیادی است. همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، نیرو، صنعت، معدن و تجارت، علوم، تحقیقات و فناوری، اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... در کنار همراهی و همکاری آحاد جامعه، می‌تواند بستر ساز چنین طرحی

فراسرزیمینی فقط این نیست که برویم و در کشور دیگری کشاورزی کنیم، بلکه باید گاهی اوقات نیز، چیزهایی را وارد کشور کنیم. مثال بارز در این زمینه، جذب دانشجوی خارجی در رشته‌های کشاورزی و آموزش آنها است که علاوه بر کمک به اقتصاد کشور، می‌تواند مزیت‌های دیگری مانند صدور فرهنگ غنی کشور، انتقال تجربیات طرفین، استفاده از توان علمی و خلاقیت‌های نیروهای جذب داشته باشد. هر چند کشاورزی فراسرزیمینی می‌تواند وجهه‌های منفی نیز به همراه داشته باشد. مواردی نظیر؛ چالش‌های منفی فرهنگی، ملاحظات امنیتی، خروج برخی مواد با ارزش کشور نظیر ذخایز ژنتیکی و... اما از دیدگاه اینجانب، محاسن

این زمینه رقابت شدیدی در دنیا بین کشورهای چین، آمریکا، استرالیا و... به وجود آمده است که کشور ایران نیز می‌تواند با توجه به شرایط خاص منطقه‌ای، در رقابت با دیگر کشورها گوی سبقت را برآید. مسلماً چنین اقداماتی پیش از هر چیزی نیازمند در نظر گرفتن نکات حساس امنیتی است. فعالیت در عرصه کشاورزی فراسرزیمینی، بستر بسیار خوبی برای بهره‌گیری از پتانسیل نیروی جوان و متخصص موجود (مثلاً ۴۰ هزار دانشجوی کشاورزی بیکار موجود) در کشور می‌باشد؛ بنابراین ما می‌توانیم با یک تیر، چند نشان را هدف قرار دهیم. همانطور که پیش از این اشاره شد کشاورزی

چهارمین دوره جشنواره ملی "جایزه فیروزه"

با همکاری جشنواره ملی حرف حساب

رویداد نهایی جایزه فیروزه در دو بخش نمایشگاهی و رقابتی، در محل نمایشگاه‌های بوستان گفتگو، از دهم تا پانزدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۷ برگزار خواهد شد. بخش رقابتی این جشنواره طی سه روز به ترتیب، در روز اول به صورت کار گروهی به دغدغه‌های فرهنگی کشور و تدوین نقشه راه موضوعی پرداخته می‌شود. در روز دوم، آثار دریافتی برگزیده از دانشگاه‌های کشور، ایده‌های برگزیده و آثار نهایی در حضور مقامات، داوران مردمی، اعضای هیئت داوران دانشگاهی و سرمایه‌گذاران ارائه خواهد شد. وجوه کاربردی، شم رؤیایردانه، جنبه‌های نوآورانه، راهکارهای حمایتی از کالای ایرانی، برنامه توسعه کسب و کار فرهنگی و رویکرد مردمی در ارائه‌ها از شاخص‌های اصلی در شیوه ارزیابی هیئت‌داوران این جشنواره است. در پایان، آیین اختتامیه جایزه فیروزه در حضور مقامات و متولیان حوزه فرهنگی کشور و با تقدیر از برگزیدگان جشنواره در بخش کالایی و پژوهش در روز انتهایی به کار خود پایان خواهد داد.

علاقتمندان به منظور کسب اطلاعات بیشتر و همین‌طور ارسال آثار به آدرس <http://tm3mt.com> مراجعه نمایند. لازم به ذکر می‌باشد که فراخوان جذب اثر برای رویداد پژوهشی جشنواره، از مهرماه ۹۷ شروع شده و تا آخر آذر ماه ادامه خواهد داشت.



می‌گیرد که به تولید محصولات نهایی ارائه‌شده در رویداد اصلی کمک خواهد کرد.

می‌شود. این بخش، مهارت‌های فن بیان، اصول کار گروهی و تصویرسازی نقشه راه پژوهش و محصولات فرهنگی را در بر

محورهای اصلی بخش پژوهش جایزه فیروزه با تأکید بر اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی در ایران و جهان، کسب و کارهای نوپا و کارآفرینی فرهنگی، جایگاه و نقش دانشگاه در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و فرهنگ‌محور، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه صنایع خلاق فرهنگی و نقش فناوری‌های فرهنگی نرم و هویت‌ساز در توسعه پایدار ملی می‌باشد. شورای سیاست‌گذاری این جشنواره ترکیبی ۱۰ نفره از مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تشکیل شده است. قالب دریافت آثار جشنواره به صورت ایده‌های نوآورانه و دستاوردهای علمی - پژوهشی و نیز محتواهای صنایع خلاق فرهنگی از جمله محصولات هنری، آثار چندرسانه‌ای شنیداری - تصویری، وبگاه، اپلیکیشن، شبکه‌های مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و ... است. همچنین، در حاشیه جشنواره و هم‌زمان با دریافت آثار اسالی، کارگاه‌ها و دوره‌های توانمندسازی و مهارت‌افزایی ویژه شرکت‌کنندگان در بخش رقابتی - مهارتی پیش‌بینی شده است که به صورت متمرکز و دانشگاهی برگزار



باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: مصطفی چراغی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت



سال ششم، شماره شصت و هشت آبان ماه ۱۳۹۷ نوامبر ۲۰۱۸

کرم! وقتی آسمان حرمت را نگاه می کنم
کبوترهایی را می بینم که چه عاشقانه
بال و پر می زنند به هوایت آن لحظه
آرزو می کنم کاش من هم کبوتری بودم
و صحن و سرای تو می شد پناهگاهم...

مولا جان! وصیت کرده ام که به روی
سنگ مزارم بنویسند، من عبد رضا
هستم و او پادشاهم...

ای آفتاب جود و سخا! ایها الرئوف

آئینه ی امید و رجا ایها الرئوف

خود را به حلقه های ضریح تو بسته است

درمانده ای برای شفا ایها الرئوف

در این حرم ملائکه هم از نگاه تو

دارند التماس دعا ایها الرئوف

می گفت عارفی که خدا را قسم دهیم

همه به حق تو یا ایها الرئوف

تو ملجأ توسل هر دلشکسته ای

همیشه بگیر دست مرا ایها الرئوف

عمری ست اسیر عشق تو هستم رضا جان



به راستی که تو همان آشنای غریبی
هستی ای عصمت هشتم... انگار که ای
غریب خراسانی آغوش ات شده پناهگاهی
برای همه غریبان جهان مولای من!
احساس غرور می کنم از داشتن ات، اصلا
تمام دارایی ام را به تو بدهکارم ای سلطان

دست ها به طرف ضریح طلایی ات روانه
می شوند برای تبرک شدن، انگار ضریح ات
مغناطیسی است که حتی آئینه کاری های
حرم هم می خواهند به ضریح ات متبرک
شوند... اینجاست که چشم های عاشقان ات
می شود همان چشمه جوشان...

سمیه امیری
دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی
کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

عمری ست اسیر عشق تو هستم رضا
جان، به یاد دارم از همان کودکی نام
تو را که می بردم عاشق تر می شدم،
وقتی بر دوش پدرم بوسه ای از ضریح
ات می چیدم با تمام وجودم مشعوف
می شدم از داشتن ات...

مولای من! زندگی بدون تو برای عاشق
دلسوخته و خسته ای چون من مثل
عذاب است؛ پس مرا دریاب ای سلطان
کرم! وقتی که می بینم هر روز خورشید
خراسان مشتاق تر از قبل برای تابیدن
به گنبد طلایی ات که بر فراز آسمانش
نقش بسته است، با خودم می گویم که
کاش من هم خورشیدی بودم تا به شوق
صحن و سرایت منور می شدم...

مولای من حرم ات همان قطعه ای از
بهشت است که زیارتگاه عاشقان جهان
شده است...

چه زیباست آن لحظه ای که بسان طوفان
لبریز از عشق و عرفان است، ناخودآگاه

زبل های بی انصاف



به این کار مشغول شوند. تنها عنصر لازم
برای این کار بی انصافی است که زبل ها در
آن تخصص بسیار بالایی دارند. گزارشات
حاکمی از آن است که در بعضی از مناطق
زمین، قیمت ها به دست دلال ها بالا و
پایین می شوند. به این طریق که دلال،
اجناس خود را داخل یک انبار نگه داری
می کند تا کمبود آن به شدت احساس
شود، سپس در این شرایط، اجناس خود
را وارد بازار می کند و به دو تا سه برابر
قیمت، آنها را می فروشد. اگر چه دلالتی
کردن کار بسیار بی فایده ای است و
صنعت تولید زبلستان را نابود می کند و
آنها را با مشکلات زیادی روبه رو خواهد
کرد. اما زبل های بی انصاف می توانند با
دلالتی و احتکار، مخصوصا در روزهای
قبل از عید که این کار بسیار رواج پیدا
می کند، درآمد بسیار زیادی کسب کنند
و برای خودشان سفینه های مدل بالا
بخرند و برای همیشه دست از سرقت
سفینه های ما بردارند. هفتمین گزارش
رسیده از گروه تحقیقاتی ما در مورد
ساکنین کهکشان راه شیری

علاوه بر راحتی و در دسر کمی که دارد،
با ویژگی های زبل ها بسیار متناسب است.
علاوه بر این می تواند آمار بیکاری را از
۱۰۰ درصد به زیر ده درصد کاهش دهد.
این شغل بسیار پر سود، دلالتی نام دارد.
در این کار؛ زبل ها باید اجناس را با قیمت
خیلی کم از تولیدکننده خریداری کرده
و آن را با قیمت بسیار بالاتری به خریدار
بفروشند. دلالتی نیاز به هیچ گونه مدرک
یا سابقه ای کاری ندارد. از زبل های سیکل
و دیپلم گرفته تا زبل های دکتری و فوق
دکتری می توانند بدون هیچ سابقه کاری

گرسنگی آن قدر به آنها فشار آورده
است که با کله های هم، کله پاچه درست
می کنند و این موضوع باعث شده است تا
خطر انقراض آنها روز به روز افزایش پیدا
کند. به دنبال حل این معضل اجتماعی
و رفع پیامدهای بعدی آن، دانشمندان ما
تصمیم گرفتند تا دست به دامن زمین
شوند و با تقلید از هوشمندترین موجودات
دنیا، کار بسیار راحتی را برای زبل ها پیدا
کنند. در یکی از گزارشات رسیده از این
سیاره هوشمند، دانشمندان ما موفق به
کشف کار بسیار پردرآمدی شدند که

سید حسن صفاریان
دانشجوی دکتری برق الکترونیک دانشگاه
تربیت مدرس

بر طبق آخرین گزارشات رسیده از
کهکشان راه شیری، با به پایان رسیدن
مواد اولیه در سیارات مختلف، آمار
بیکاری روز به روز در حال افزایش
است. در یکی از بزرگترین سیارات این
کهکشان؛ به نام منظومه ی زبلستان
که زبل ها ساکنین اصلی آن محسوب
می شوند، آمار بیکاری نزدیک به صد
در صد است. بیکاری معضل بسیار بدی
است که باعث شده است تا زبل ها سر
سیاه چاله های کهکشان ما بایستند
و زنجیر بچرخانند و هیچ کاری هم
نکنند. زبل ها موجودات بسیار بی انصافی
هستند، آنها بسیاری از سفینه های
فضایی ما را که از نزدیکی آنها در
حال عبور بوده اند، به سرقت برده،
لاستیک هایش را در آورده اند و لاشه ی
آن را در فضا رها کرده اند. همچنین